

داشت.

بعداً در عمل معلوم شد که تأمین استقلال سندیکاها و سایر تشکلهای توده‌ای تنها "هیچ جا" ممکن نیست. بولتسن مورد اشاره هیچگاه منتشر نشد، دمکراسی درون حزبی و پرولتری هرچه بیشتر برپا انداخته شد. "اپوزیسیون کارگری" حتی به کمینترن شکایت کرد و نامه‌ای به امضای ۲۲ تن از اعضای سابق "اپوزیسیون کارگری" در اوایل سال ۱۹۲۲ برای هیأت اجرایی انترناسیونال کمونیست فرستاده شد.

کمینترن کمپسونی را مأمور رسیدگی کرد و کمپسیون پس از بررسی شکایت اپوزیسیون را بنا وارد شناخت. اخراج اعضای اپوزیسیون و حتی بازداشت رهبران و فعالین آن از سال ۱۹۲۳ آغاز گردید و بدین ترتیب برجناح پرولتری و چپ حزب بلشویک ضربه تعیین کننده‌ای وارد آمد.

در سال ۱۹۲۲، ماسینکوف کارگر قدیمی که از سال ۱۹۰۶ عضو حزب بود و "گروه کارگری" را رهبری میکرد؛ با اتکا بر محبوبیت کنگره* دهم بدلیل فعالیت فراکسیونیتی از حزب اخراج گردید. متعاقباً در ۱۹۲۳ ماسینکوف توسط گ.پ.تو (پلیس مخفی سیاسی) بدلیل رهبری اعتصابات کارگری دستگیر شد و همزمان عده زیادی از اعضای "گروه کارگری" اخراج و بازداشت شدند. گوزنتسف از رهبران دیگر این گروه نیز بازداشت شد و همزمان با او جگیری یک رشته اعتصابات کارگری در مناطق صنعتی روسیه عده دیگری از اعضای گروه "حقیقت کارگری" اخراج و دستگیر شدند. بدین ترتیب منزوی کردن، اخراج، محدودیت‌های مختلف و توسل به روشهای بورژوازی در مبارزه علیه مخالفین و در این دوره علیه "اپوزیسیون کارگری" و جناح چپ حزب، پشتوانه رسمی پیدا کرده و ابعاد دامن فزاینده‌ای بخود میگیرد.

در این دوره با اتخاذ سیاست جدید اقتصادی (NEP) جامعه شوروی وارد یکی از فازهای تعیین کننده در رابطه با وضعیت سیاسی و سرنوشت آتی خود میگردد. برطبق این سیاست جدید برای مقابله با مشکلات فزاینده اقتصادی و سیاسی که حکومت شوراها با آن دست به گریبان بود، در زمینه‌های مختلف امکانات و امتیازاتی به عناصر بورژوازی و خرده بورژوازی داده میشود و بنا به استنباط لنین، بعنوان کسی که هنوز کلام آخر در رابطه با تعیین خط مشی و سیاستهای حزب از جانب او زده میشود، حکومت شوراها یک عقب نشینی آگاهانه و حساب شده را برای کسب قوای تازه و نیز تحکیم موقعیت و اوضاع خود شروع میکند. در بدو امر هدف اولیه این سیاست از جمله حفظ پشتیبانی توده‌های وسیع دهقانان فقیر و متوسط از حاکمیت شوراها و نیز استفاده از امکانات، ابتکارات و تخصصهای عناصر پرولتر در شرایطی است که حکومت شوراها مجبور به دادن امتیازاتی به اینان در تلاش برای جلب همکاری آنها میباشد.

مستقل از عواقب آتی و استنباطاتی که چربان غالب و راست حزب کمونیست شوروی علیرغم ارزیابی و استنباط‌های لنین از NEP، از این سیاست جدید بدست داد، که خود موضوع بحث تعیین کننده دیگری در رابطه با چگونگی فلبه بورژوازی بر حزب

کمونیست و حکومت شوراهای در روسیه و با زسازی سرمایه‌داری ضربه خورده، روسیه تحت عنوان ساختار سوسیالیسم در شوروی است، نتیجهٔ بلاواسطهٔ سیاست جدید اقتصادی، تضعیف هرچه بیشتر "اپوزیسیون کارگری" و مبنای عمل قرار گرفتن سیاستهای عملی در همهٔ زمینه‌ها بود که هرچه بیشتر منطبق بر نظرات و خواسته‌های بوخارین - تروتسکی و جناح راست حزب کمونیست شوروی بود.

متعاقب کنگرهٔ دهم همچنین دبیرخانهٔ حزب دوباره سازماندهی شده و تحت تسلط ورهبری کامل عناصر بوروکراتیک وابسته به استالین، که متعاقبا با بدست آوردن مقام دبیرکلی حزب قدرت بیشتری را در دست خود متمرکز کرده بود، قرار میگیرد.

تسلط استالین و جناح راست بر دستگاه‌های اداری و تشکیلاتی حزب این جناح را قادر می‌کند که حتی در مواردی که تحت فشار تورپتهٔ سیاسی و نفوذ معنوی لنین از مواضع خود عقب نشسته و حداقل در حرف مواضع اصولی را می‌پذیرفتند، در عمل با توسل به همه ابزارهای تشکیلاتی اراده و خواست خود را به پیش ببرند.

تا این زمان جناح چپ بدلیل اشتباهات و نقائص سیاسی، فقدان وحدت سیاسی و تشکیلاتی و فقدان طرح و برنامه و آلترنا تئو سیاسی اقتصادی و اجتماعی و محدود ماندن به انتقادات موضعی و پراکنده از سیاستها و پراتیک غالب، هرچه بیشتر پراکنده، تضعیف و منزوی شده بود.

از سال ۱۹۲۲ که لنین متعاقب زخمی شدن و شروع بیماری اش، دچار محدودیت‌ها و کناره‌گیری از کارها میشود و نقش او در رهبری سیاسی کاهش می‌یابد، این جریان راست هرچه بیشتر به تقویت موقعیت خود پرداخته و به پیشبرد پراتیک مورد نظر خود می‌پردازد.

در موارد متعددی لنین در مقابل تصمیمات سیاسی و تشکیلاتی متخذه از جانب کمیته مرکزی و دفتر سیاسی که عملاً تحت اشورپتهٔ جناح راست قرار گرفته است، می‌ایستد و حتی یکبار در مواجهه با تصمیمات استالین و کمیته مرکزی حزب کمونیست در رابطه با طرحی که عملاً استقلال سایر جمهوری‌های شوروی را از میان برده و آنها را در جمهوری شورائی روسیه ادغام و حل میکند، در یادداشتی به دفتر سیاسی حزب کمونیست چنین مینویسد:

" یادداشت به دفتر سیاسی دربارهٔ مبارزه با شوونیسم ملت غالب
من علیه شوونیسم ملت غالب اعلان جنگ تا مرگ میکنم. من آن
[ناسیونال شوونیسم ملت غالب] را با تمام دندانهای سالمم
خواهم درید به مجرد آنکه از شر این دندان خراب لعنتی [ام] خلاص
شوم.

مطلقاً باید برای این امرهای فشرده کمیتهٔ اجرایی مرکزی اتحاد
[جمهوری شوروی] میباید بنوبت توسط یک روسی، اوکراینیسی،
گرجی، و غیره ریاست شود. مطلقاً! اراده مند لنین، تاریخ نگارش: ۶
اکتبر ۱۹۲۲" (مجموعه آثار لنین، انگلیسی، جلد ۳۳، ص ۳۷۲، گروه‌ها از من است)

هماً منظور که میدانیم لنین در این زمان چنان بسختی بیمار و بستر است که حتی قدرت نگارش و تکلم را هم کم کم از دست میدهد و متأسفانه هیچگاه بعداً از شر آن دندان خراب لسنی رهایی نیافت، تا جنگی را که چنین قاطعانه اعلام میدارد به پیش ببرد.

در غیاب حضور سیاسی لنین، اتحادی معروف به اتحاد سه گانه (اتحاد مثلث Troika) مرکب از استالین، زینوویف و گامین شکل میگیرد که عملاً رهبری حزب را بدست دارد.

در این اتحاد استالین با تسلطش بر ارگانهای تشکیلاتی (دبیرخانه مرکزی و دفتر تشکیلات حزب که عملاً تمامی دستگاه اداری و تشکیلاتی حزب را تحت تسلط و نظارت داشتند) در کنار زینوویف و گامین به شخصیت های از نظر تئوریک و سیاسی بسیار حدودی صاحب تئوریته و توانا، بمقابله با رقیب شماره یک خود تروتسکی بر می خیزد.

جنگ تلخی بین این اتحاد سه گانه از یک طرف و تروتسکی و جریانات مختلف اپوزیسیون از طرف دیگر در میگیرد. هدف این حمله منزوی کردن و منفرد کردن تروتسکی و نهایتاً حذف او از رهبری حزب است.

لنین که در نیمه دوم ۱۹۲۲ کمی بهبود یافته و دوباره به زندگی سیاسی حزب باز میگردد، در اتحاد سه گانه و مضمونها در استالین ایرادات اساسی را مشاهده میکند و بطور مشخص به آنها می پردازد.

در مسائل مربوط به قضیه گرجستان و نیز در رابطه با مباحث مربوط به ضرورت کاربرد برنامه ریزی در امر اقتصاد لنین با تروتسکی متوصل میشود و با ضمن تاکید بر اهمیت مساله یادآوری میکند که در این رابطه تا حدودی و به درجه ای به نظرات تروتسکی نزدیک است. تروتسکی در مقابل حملات جناح متحد سه گانه، بیشتر و بیشتر ناپیگیری از خود نشان میدهد و هر چه بیشتر میکوشد تا وفاداری خود به مقررات تشکیلاتی و به مصوبات کنگره دهم، مبني بر احترام از هرگونه اقدام فراكسیوني را، مراعات کند، او حتی در مواردی به طرح انتقادات و شکایات هاشی از کمیته مرکزی و دفتر سیاسی می پردازد اما ترجیح میدهد که این کار را به تنهایی انجام دهد. دأثره المعارف بریتانیکا اظهار نظر کرده است که تروتسکی امیدوار بود در مبارزه علیه زینوویف، که او را مهمترین رقیب خود در رهبری میدید، موفق به جلب همکارى استالین گردد، به همین علت در پاسخ به فراخوان لنین برای هدایت مبارزه علیه گرایش راست در حزب تزلزل و تردید به خرج میدهد. اما ای.اچ.کار. معتقد است که همان ناپیگیری همیشگی که در تروتسکی وجود داشت و پایداری بیش از حد او به موازین حقوقی و مقررات سازمانی دلیل تزلزل و تردید این دوره تروتسکی را تشکیل میدهد.

در کنگره ۱۲، آوریل ۱۹۲۳، تروتسکی با اینکه از جانب لنین از او خواسته شده بود نظرات وی را در مورد قضیه گرجستان و بر علیه استالین نمایندگی کند (و برای این کار لنین سه یادداشت مربوط به مساله علی خود را برای او فرستاده بود) از اینکار سر باز زد و در کنگره بهیچوجه در این مورد چیزی نگفت و همراه باقی رهبران و از جمله استالین در مورد ضرورت وحدت صحبت کرد. از آوریل تا اکتبر نیز در جهت رفع اختلافات با اتحاد

